آرمان ملی
armanmeli.ir
سال پنجم
شماره ۱۲۴۴
یکشنبه
۱۴۰۰•۱۲•۰۸
۲۵ رجب ۱۴۴۳/ ۲۷ فوریه ۲۰۲۲

حشمت‌ا... فلاحت پیشه در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

روس‌ها نگذاشتند برجام قبل از حمله به اوکراین امضا شود

- روس‌ها برجام را به اوکراین فروختند
- رئیسی باید با دبیر کل سازمان ملل تماس می‌گرفت نه با پوتین
- برخی مسئولان فریب‌بازی سیاسی پوتین را خورده‌اند
- جهان در آینده شاهد موج جدیدی از پوپولیسم و ناسیونالیسم خواهد بود
- آنارشیسم در جهان امروز توسط روسیه احیا شده است
- ناسیونالیسم روسی دستاویز جاه‌طلبی‌های پوتین قرار گرفته است
- تلاش ایران برای نزدیکی به روسیه یک جانبه است

آرمان ملی- احسان انصاری: واکنش‌ها به حمله نظامی روسیه به اوکراین وجهه جهانی به خود گرفته و بسیاری از آزادگان و صلح‌طلبان جهان با حضور در خیابان‌ها این حمله را محکوم کرده‌اند. در ایران نیز افکار عمومی با اعلام انزجار نسبت به جنگ‌طلبی روس‌ها و آواره کردن مردم اوکراین با صلح‌طلبان جهان همراهی کردند. آمریکا و اتحادیه اروپا تحریم‌های گسترده‌ای را علیه روسیه اعمال کرده‌اند. در این بین تماس تلفنی سید ابراهیم رئیسی با پوتین بحث‌برانگیز بوده و تکرار مواضع روسیه توسط رئیسی با واکنش عمومی در جامعه مواجه شده است. این در حالی است که به دلیل نقش روسیه در مذاکرات وین معادلات برجام و پیامدهای بین‌المللی اقدام روسیه مورد توجه کارشناسان و تحلیل گران سیاسی قرار گرفته است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوع با دکتر حشمت‌ا... فلاحت پیشه تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

حمله روسیه به اوکراین با واکنش‌های گسترده در سطح جهان مواجه شده است. مهم‌ترین دلایل و پیامدهای این حمله را چه می‌دانید؟

روسیه به بهانه اینکه اوکراین قصد داشت به ناتو بپیوندد به این کشور حمله نظامی کرد. این در حالی است که در سال ۱۹۹۴ اولین کشور اروپایی که به عضویت طرح مشترک صلح ناتو درآمد روسیه بود. این کشور حتی کشورهای مرکز و شرق اروپا و کشورهای هم‌پیمان کمونیست را نیز به عضویت در این طرح دعوت کرد. در شرایط کنونی واقعیت غیرقابل‌انکاری که در این حمله نظامی نقش داشته جاه‌طلبی‌های سیاسی پوتین است. پوتین از همه ابزارهای ماندن در قدرت استفاده کرده است. پوتین در ابتدا تلاش کرد با اجرای مدل سیاسی «پوتین- مدودف» رأس قدرت در روسیه را حفظ کند. پس از آن نیز با تغییر قانون اساسی روسیه زمینه را برای حضور در قدرت فراهم کرد. پوتین زمانی به‌عنوان عامل نجات سیاسی روسیه عمل کرد و پس از آن در حوزه امنیتی و اقتصادی نیز ورود کرد. پس از اینکه محدودیت زمانی برای قدرت برای وی در روسیه برداشته شده بود واکنش‌هایی در داخل روسیه نسبت به این موضوع وجود داشت که حکومت در روسیه در آینده به یک حکومت اقتدارگرا و سرکوبگر تبدیل شود. تنها چیزی که در چنین شرایطی می‌توانست دستاویز جاه‌طلبی‌های سیاسی پوتین قرار بگیرد ناسیونالیسم روسی بود. پوتین تحت عنوان احیای اقتدار روسیه و مقابله با ناتو تلاش کرد ناسیونالیسم روسی در پشت‌سرخود قرار بدهد و با خود همراه کرد و به‌واسطه این کار یک موج رسانه‌ای به راه انداخت. حمله به اوکراین نیز در این راستا قابل پیش‌بینی بود. امروز دنیا شاهدبازی جاه‌طلبی پوتین است. در چنین شرایطی برخی از مسئولان ایران نیز فریب این بازی را خورده‌اند و حتی این جمله را به‌کار برده‌اند که دغدغه‌های پوتین را درک می‌کنند. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که کمتر رهبران سیاسی در جهان روی موضوع چالش گسترش نفوذ ناتو تأکید کردند. هرچند گسترش ناتو به سمت شرق تهدیدی علیه همه به شمار می‌رود و حتی تهدیدی برای ایران است. با این وجود آنچه ما امروز از رفتار پوتین مشاهده می‌کنیم جاه‌طلبی‌های دیکتاتورهای خون‌آشامی مانند پوتین است که به نظر تمامی نخواهد داشت.

> خوش‌بینی‌هایی که اولیانوف مطرح می‌کرد و نشان‌دهنده ذوق و تلاش روس‌ها برای توافق بود یک دروغ بزرگ به ایران بود. اظهاراتی که پوتین و لاوروف نیز مبنی بر اینکه روسیه به اوکراین حمله نخواهد کرد در راستای این موضوع بود که اوکراین در دستور کار قرار نگیرد و نگاه جهانیان به نتیجه برجام باشد. معتقدم در این زمینه ایرانیان فریب خوردند

آمریکا و کشورهای اروپایی قبل از حمله روسیه به اوکراین عنوان کردند در صورت حمله نظامی به این کشور به این موضوع واکنش نشان خواهند داد. این در حالی است که پس از این روسیه به اوکراین حمله کرد هیچ کشوری واکنش نظامی به این اتفاق نشان نداد. تحلیل شما از رفتار آمریکا و کشورهای اروپایی در مقابل حمله روسیه به اوکراین چیست؟

اوکراین کشوری بود که فریب‌بازی سیاسی آمریکا و روسیه را خورد. اوکراین کشوری است که سومین زرادخانه اتمی جهان را در اختیار داشت و در سال ۱۹۹۴ از بالاترین امکان برای پیوستن به ناتو برخوردار بود اما از این امکان استفاده نکرد. با این وجود در شرایطی که با تهدیدات امنیتی مواجه شد این امکان را دوباره مطرح کرد اما قابلیت‌های لازم برای پیوستن به ناتو را در اختیار نداشت. کشورهای غربی نیز مانند همیشه در راستای منافع خود عمل کردند. کشورهای غربی حتی تحریم‌های نفت و گاز روسیه را نیز اعمال نکردند. تحریم‌هایی که می‌توانست برای روسیه کمرشکن باشد. دلیل این اقدام نیز این است که کشورهای اروپایی نسبت به نفت و گاز روسیه وابستگی دارند. غرب حتی آماده شده بود که در صورت حمله نظامی روسیه به اوکراین وارد یک تبانی روسی- آمریکایی در آینده شود. با این وجود واقعیتی که در شرایط کنونی وجود دارد این است که پوتین جهان را ناآرام کرده و هیتلر قرن بیست و یکم است و آنارشیسم را در جهان امروز احیا کرده است. مهم‌تر از همه اینکه وی پیش‌قراول نسل جدید دیکتاتورهای اقتدارگرا و سرکوبگر خواهد بود که سوار بر امواج ناسیونالیستی و مسابقه تسلیحاتی و جنگ سردی جدید جهان را ناآرام کرده است.

چرا پوتین را پیشقراول نسل جدید دیکتاتورهای سرکوبگر می‌دانید؟ آیا رفتار وی می‌تواند دیگر دیکتاتورهای جهان را به رفتاری مشابه تشویق کند؟

قبل از پوتین این ترامپ بود که سوار بر امواجِ اقتدارگرایی جهان را به سمت ناآرامی پیش برد. با این وجود پوتین در عرصه عمل بیش‌ترین خدمت را به دیکتاتورهای اقتدارگرا و سرکوبگر کرد. به همین دلیل در آینده شاهد موج جدیدی از پوپولیسم و ناسیونالیسم تحت عنوان تهدیدهای امنیتی در جهان خواهیم بود. بسیاری از سیاستمداران اقتدارگرا سوار بر این موج به قدرت خواهد رسید و تصمیمات امنیت محور جای تصمیمات آرامش محور و توسعه‌گرا را خواهد گرفت.

> به نظر می‌رسد سیاست‌های ابلاغی به صداوسیما به سمتی است که بیشتر از روسیه حمایت می‌کند. مردم ایران مردم آزاده‌ای هستند و از اقدام نفرت‌انگیز روسیه در اوکراین حمایت نمی‌کنند، بلکه مخالف جنگ‌طلبی روسیه هستند. به همین دلیل صداوسیما با مواضعی که در این زمینه اتخاذ می‌کند به جایگاه خود آسیب می‌رساند

کشورهای اروپای و آمریکا، روسیه را به دلیل حمله به اوکراین تحریم کرده‌اند. این در حالی است که پروژه نورد استریم ۲ که گاز روسیه به اروپا انتقال می‌دهد نیز تعلیق شده است. به نظر می‌رسد بحران اوکراین به‌اندازه‌ای عمیق شده که کشورهای اروپایی دیر یا زود به‌دنبال کشوری هستند که جایگزین نفت و گاز روسیه به اروپا شود. در این بین نام ایران نیز مطرح می‌شود. به چه میزان این احتمال وجود دارد که ایران بتواند جایگزین نفت و گاز روسیه در اروپا شود؟

قبلا نیز عنوان کرده بودم که روس‌ها اجازه نخواهند داد برجام قبل از حمله به اوکراین امضا شود و برجام را به اوکراین خواهند فروخت. همین اتفاق نیز رخ داد. خوش‌بینی‌هایی که اولیانوف مطرح می‌کرد و نشان‌دهنده ذوق و تلاش روس‌ها برای توافق بود یک دروغ بزرگ به ایران بود. اظهاراتی که پوتین و لاوروف نیز مبنی بر اینکه روسیه به اوکراین حمله نخواهد کرد در راستای این موضوع بود که اوکراین در دستور کار قرار نگیرد و نگاه جهانیان به نتیجه برجام باشد. معتقدم در این زمینه ایرانیان فریب خوردند. اگر ایران قبل از حمله روسیه به اوکراین برجام را امضا کرده بود در شرایط کنونی ایران کانون عرضه و تقاضا در بازارهای انرژی نوین جهانی بود. اگر این اتفاق رخ می‌داد بازهای نفت ایران بازیابی می‌شد و شرایط انتقال گاز ایران در کوتاه‌مدت با تبدیل گاز به گاز مایع و در بلندمدت با امضای قراردادهای جدید فراهم می‌شد. معتقدم در شرایط کنونی و با اتفاقاتی که رخ داد این فرصت از ایران گرفته شد. اولیانوف به‌عنوان واسطه در مذاکرات وین عمل می‌کرد و ایران نیز این نقش را باور کرده بود. با این وجود وی در راستای منافع روسیه حرکت می‌کرد و بیش از اینکه به‌دنبال به نتیجه رساندن برجام باشد به دنبال تحقق منافع روسیه بود. متأسفانه برخی در ایران، روسیه را دوست راهبردی ایران معرفی می‌کنند درحالی‌که روسیه این افراد را در حد خاکریز و مهره‌های شطرنجی بیش نمی‌بیند. این افراد اتهامات و توهین‌هایی را نسبت به کسانی که از نقش روسیه در مذاکرات انتقاد می‌کردند روا داشتند. در شرایطی که وضعیت اوکراین نظامی است اگر توافق برجام امضا شود وضعیت کشورهای غربی نیز مساعدتر است به شرطی که ایران واسطه‌ها را حذف کند و ایران و آمریکا بر سر یک متن به توافق دست پیدا کنند. اگر این اتفاق رخ بدهد، می‌توان امیدوار بود که بخشی از فرصت‌ها احیا شود و ایران بتواند فرصت‌های جدیدی برای خود ایجاد کند. با این وجود اگر این اتفاق رخ ندهد روسیه وارد عصر تبانی خواهد شد. در ماجرای کریمه روس‌ها در ابتدا جهان را در مقابل یک عمل انجام شده قراردادند و پس از آن دیپلماسی امتیاز گیری خودشان را در دستور کار قراردادند. اگر به این مرحله برسیم روس‌ها از برجام به‌عنوان یک کارت بازی در دیپلماسی استفاده خواهند کرد و دور جدیدی از بازی با باج‌گیری از منافع ملی ایران آغاز خواهد شد. به همین دلیل بر این باور هستم که در شرایطی که موضوع اوکراین در دستور کار قرار دارد ایران باید سیاست مستقلی در این زمینه در دستور کار خود قرار بدهد.

> بهتر این بود که آقای رئیسی با دبیر کل سازمان ملل متحد تماس بگیرد و نه با پوتین. در چنین شرایطی ایران به موج طرفدار صلح می‌پیوست. به نظر می‌رسد تلاش یکجانبه‌ای را برای نزدیکی به روسیه شکل داده است. تجربه همکاری ایران و روسیه در سوریه نشان داد که روس‌ها به همه‌چیز به‌صورت انحصارطلبانه و یکجانبه نگاه می‌کنند

آقای سیدابراهیم رئیسی پس از حمله روسیه به اوکراین با پوتین تماس گرفت و بدون محکوم کردن این جنگ گسترش ناتو را برای شرق تنش‌زا خواند. اتفاقی که با پیامدهای منفی در جامعه مواجه شده است. آیا ضرورت داشت رئیسی در چنین شرایطی با پوتین تماس بگیرد؟

بهتر این بود که آقای رئیسی با دبیر کل سازمان ملل متحد تماس بگیرد و نه با پوتین. در چنین شرایطی ایران به موج طرفدار صلح می‌پیوست. به نظر می‌رسد تلاش یکجانبه‌ای را برای نزدیکی به روسیه شکل داده است. تجربه همکاری ایران و روسیه در سوریه نشان داد که روس‌ها به همه‌چیز به‌صورت انحصارطلبانه و یکجانبه نگاه می‌کنند. در ایران متأسفانه عده‌ای در توهم رابطه راهبردی با روسیه به سر می‌برند. این در حالی است که این رابطه راهبردی نیست. کسانی که به آقای رئیسی گفتند در روز آغاز جنگ با پوتین که در آن روز منفورترین رهبر سیاسی جهان بود تماس بگیرد اقدام اشتباه کردند. ما مشاهده کردیم یک مسئول در جمهوری اسلامی که شعار اخلاق و معنویت می‌دهد با فردی که نامش به‌عنوان یکی خون‌آشام‌ترین رهبران سیاسی تاریخ جهان ثبت خواهد شد تماس می‌گیرد و مواضعی اتخاذ می‌کند که سؤال‌برانگیز است. پوتین کسی است که جهان را ناآرام کرده است. تلفات و خسارت‌هایی که امروز اوکراین می‌بیند نسبت به، بهم زدن آرامش جهانی که مسبب اصلی آن پوتین است حداقلی خواهد بود و آینده این دیدگاه من را اثبات خواهد کرد. اینکه رئیسی با پوتین تماس گرفته و مواضع وی را تکرار کرده نشان‌دهنده ضعف دیپلماسی عمومی در ایران در آینده خواهد بود. ایران می‌توانست در این ماجرا مانند بسیاری از کشورهای جهان مواضع مترقی اتخاذ کند و بر صلح جهانی تأکید کند. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد مواضع صداوسیما نسبت به این ماجراست. به نظر می‌رسد سیاست‌های ابلاغی به صداوسیما به سمتی است که بیشتر از روسیه حمایت می‌کند. مردم ایران مردم آزاده‌ای هستند و از اقدام نفرت‌انگیز روسیه در اوکراین حمایت نمی‌کنند، بلکه مخالف جنگ‌طلبی روسیه هستند. به همین دلیل صداوسیما با مواضعی که در این زمینه اتخاذ می‌کند به جایگاه خود آسیب می‌رساند.

یادداشت

چهار ملاحظه درباره حمله به اوکراین

عباس نعیمی جورشری
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

حمله روسیه به قلمرو سرزمینی اوکراین در حالی رخ داده است که ماه‌های گذشته، تنش فی مابین به حداکثر رسیده بود. محور اصلی این تنش بر قصد اوکراین به پیوستن ناتو قرار داشت. افزایش تنش‌ها با هشدارهای مکرر غرب درباره هجوم قریب الوقوع روس‌ها و انکار موکد آنها همراه بود که نهایتا با شکست دیپلماسی، نخستین موشک‌ها به سمت اوکراین و ورود نیروهای روسیه به خاک آن رقم خورد. در این باره می‌توان حداقل به چهار ملاحظه زیر اشاره داشت. روسیه تحت زعامت ولادیمیر پوتین به ساختاری متصلب شبیه شده است و زیاده خواهی، دیکتاتوری و سرکوبگری نظام حاکم بر آن به مردم آن کشور نیز لطمه زده است. در حدود یک قرن پس از انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ شاهد اضمحلال جامعه مدنی و تنگناهای عرصه عمومی در آن بوده‌ایم. چنانکه خبری از بزرگان ادبیات نظیر داستایفسکی، تولستوی، تورگنیف، چخوف، پوشکین و... نیست. همان‌طور که چهره‌های شاخص سینمایی نظیر تارکوفسکی و اساطیر موسیقی چنان چایکوفسکی نیز معرفی ننموده است. همه اینها ذیل سیستمی بسته به رهبری حزب محافظه کار تجدید شده است. تجدیدی بر عوارض حکمرانی ایدئولوژیک کمونیست‌ها بر شوروی سابق که فقر و عقب ماندگی را برای مردمانش رقم زد. اکنون ضعف جامعه مدنی و ساختار فرهنگی در کنار تضعیف اقتصادی آن کشور نمایان است. اقتصاد روسیه شدیدا متکی به منابع فسیلی نفت و گاز است. به علاوه منابع عظیم جنگل‌ها که البته قابلیت بهره برداری فناورانه بالایی از آن وجود ندارد. این نکته در جوار سیستم نظامی قدرتمند، بیانگر موقعیت فرادست حاکمیت بر فرودستی جامعه است. خرده جنبش‌های اعتراضی همواره در این کشور سرکوب شده‌اند و فعالیت احزاب مستقل محدود گردیده و نظام سیاسی فاسد و ویرانگر است. غرب با مرجعیت ایالات متحده در جهت گسترش ناتو تا مجاورت روسیه گام برداشته است. این در حالی است که در پایان جنگ سرد توافق شده بود اقمار مستقل شده روسیه به جرگه ناتو و هم پیمانان نظامی غرب نپیوندند. این امر درباره پنج کشور نقض شد. تشویق اوکراین برای پیوستن به ناتو بر شدت این امر افزود. به نظر می‌رسد اهداف غرب و مشخصا آمریکا در جهت هم مرز شدن ناتو با روسیه قرار داشته تا نهایتا به سمت تضعیف آن گام بردارد. فروپاشی مجموعه پهناور روسیه و نیز مانع تراشی بر سر اتحاد بیشتر او با چین نوظهور. این درحالی است که موقعیت اروپا و آمریکا در ناتو متفاوت است. فاصله جغرافیایی آمریکا از صحنه جنگ اروپا، عملا آن را در موقعیت یک صحنه گردان جنگ از راه دور قرار داده که اروپا را نیز گروگان گرفته باشد بی‌توجه به عوارض هرگونه جنگی بر زیست اروپاییان. این در حالی است که اروپا نیز در وابستگی انرژی به روسیه قرار دارد و در مقام حمایت از اوکراین نیز از برخورد نظامی اجتناب دارد. ضمن اینکه راهبرد تضعیف روسیه را از راه‌هایی غیرنظامی، عمدتا اقتصادی و بلندمدت می‌توان پیگیری نمود. امری که اروپا احتمالا بیشتر بدان راغب بوده است. مطالبه اوکراین در جهت پیوستن به ناتو از دو جهت قابل ارزیابی است. الف) از یکسو کشوری مستقل مطرح است که اراده ملی‌اش بر پیوستن به یک مجموعه بین‌المللی قرار دارد. مجموعه‌ای نظامی یا سیاسی یا.... این حق مسلم هر کشور است که بتواند مستقل از فشارها و تهدیدها برای واحد مرزی و حاکمیتی خویش تصمیم بگیرد. این وجه نظری و ایده‌آل گرایانه بحث است که روی کاغذ نیز وجود دارد. ب) با این حال واقعیات جهان سیاست و عرصه بین‌الملل با حقوق نوشته بر کاغذ متفاوت است. در این راستا پیوستن اوکراین به ناتو احتمال تحققی اندک داشت. زیرا با تهدید دانستن آن برای روسیه، با واکنش احتمالی اش مواجه می‌شد که شد. تاکید و پافشاری رهبران اوکراین بر این خواسته، عملا در ناهمخوانی شطرنج سیاسی انجام شد و کشور را در معرض جنگی قرار داد که هیچ کمکی به توفیق اوکراینی‌ها نخواهد داشت بلکه آنها را چنان ابزاری در بازی دو طرف تعیین نموده است. همچنین مشاهده شد که حمایت همه جانبه‌ای از اوکراین به عمل نیامد و غرب با محافظه کاری خاصی به اعمال تحریم‌هایی علیه روسیه اقدام نمود. تحریم‌هایی که بعید است اثرگذاری جدی در کوتاه مدت داشته باشد. آمریکا نیز از ورود جنگ مستقیم با روس‌ها احتراز داشته و رسماً دور ایستاده است. بنابراین مردم اوکراین متضرر اصلی این واقعه در وهله نخست خواهند بود.

نگاه

ز «پوتین» نجوید کسی مردمی!

ادامه از صفحه اول / نزد افکار عمومی بسازند. آیا می‌توان حتا یک نمونه قابل ذکر از خدمات روس‌ها را به کشور ایران ذکر کرد؟ دانش‌آموزان ایرانی در همین کتاب‌های تاریخ غیر از تجاوز، حمله نظامی، تحمیل عهدنامه‌های ننگین، زمینگیر کردن جنبش آزادی‌خواهی و مشروطه‌طلبی، اشغال، تصاحب قلمرو سرزمینی و بدعهدی خاطره دیگری از روس‌ها ندارند. از منظری دیگر در داستان برجام نیز روسیه با زرنگی تمام با کارت ایران رندانه بازی کرده و به جای کمک به همسایه و هم‌پیمان استراتژیک خود سعی کرده نقش بالانسر را در مناقشه بین ایران و غرب بازی کرده و هماره دست ایران را در موقعیت‌های حساس در حنا بگذارد. لذا دل بستن به پوتین در درگیری احتمالی با آمریکا دست کردن در دهن تمساحی است که در ساحل آرامش مترصد غفلت و اشتباه صید گریز پای خویش است. در کشاکش حمله به اوکراین عده‌ای به جای محکوم کردن سعی دارند وادادگی اوکراین در برابر ارتش روسیه را به تحویل نابخردانه موشک‌های اتمی شوروی مستقر در اوکراین (در قرارداد چندجانبه با روسیه) نسبت دهند در حالی که اوکراین هرگز یک «قدرت اتمی» نبود بلکه کلیدها در دستان مسکو بودند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، سلاح‌های اتمی شوروی در اوکراین باقی مانده بود. مسکو کلیدها را در اختیار داشت و اوکراین نمی‌توانست از آنها استفاده کند. آنها در نهایت به روسیه بازگردانده شدند. این بحث مهمی است مخصوصا آنکه افراد به اشتباه ادعا می‌کنند که سلاح‌های اتمی می‌توانستند اکنون از اوکراین محافظت کنند. ماحصل تمام این بحث‌ها به هیچ وجه وادادگی در مقابل غرب و کرنش در برابر آمریکا نیست بهترین سیاست خارجی ما در شرایط فعلی همان شعار «نه شرقی و نه غربی» است. منافع ملی چراغ راهنمای ماست. به نظر می‌رسد تعامل سازنده با کلیت جهان می‌تواند شاه کلید پیشرفت و توسعه باشد. گرچه دولت رئیسی در شعارهای انتخاباتی توافق برجام را وادادگی تلقی می‌کرد امروز خودش به جد پیگیر حل و فصل مناقشه با غرب است.

دیدگاه

رمزگشایی از مناقشه روسیه و اوکراین

ادامه از صفحه اول /

در صورتی که آمریکا و انگلیس و بخش غربی ناتو واکنش نشان دهند، مجدداً انتظار درگیری نظامی هست، از آنجایی که آلمان عمده گاز خود را از طریق خط لوله نورد استریم ۱ دریافت می‌کند، به قدری محتاطانه‌تر با این ماجرا برخورد کرده است البته محکومیت را مطرح کرده است اما به شدتِ انگلستان و آمریکا وارد فضای تحریم نشده است. احتمال درگیری‌ها در روزهای آینده وجود دارد. چون آمریکا بارها اعلام کرده بود که اگر روسیه حمله نظامی صورت دهد، آنها نیز اقدام خواهند کرد و تعداد زیادی اسلحه نیز به دولت اوکراین داده‌اند. عده‌ای در ایران معتقدند اگر آمریکا در اوکراین درگیر باشد، ما می‌توانیم مواضع قوی‌تری پیش ببریم. به نظرم تحولات اوکراین تأثیر مستقیمی بر مذاکرات نخواهد داشت مگر اینکه به صورت غیرمستقیم شاهد تأثیراتی باشیم به عنوان مثال افزایش قیمت نفت یکی از تأثیرهای غیرمستقیم است و از این جهت به نفع ایران است که بتواند نفت بیشتری بفروشد و درآمد بیشتری کسب کند.

ضرورت بازنگری در برنامه‌های درسی

ادامه از صفحه اول /

اشتغال، متناسب سازی سطوح رشته‌های تحصیلی با نقشه جامع علمی کشور و نیازهای تولید و اشتغال ۵- استانداردسازی برنامه‌های درسی با توجه به معیارهای علمی و قوانین و مقررات مربوطه ۶- نهادینه کردن بازنگری مستمر برنامه های درسی در آموزش‌وپرورش. ۷- بازنگری برنامه درسی به صورتی که برنامه‌های درسی پاسخگوی دانش و مهارت‌های رشته باشد. ۸- انطباق پذیری اجزاء برنامه درسی مانند: نوع درس، شیوه اجرا و ارزشیابی با شیوه‌های نوین آموزشی. ۹- تمرکز برنامه های درسی بر افزایش نگرش بین‌رشته‌ای، نوآوری، کارآفرینی و کار گروهی متمرکز بر حل مسأله. در سال‌های گذشته با توجه به گسترش بیماری کووید-۱۹ و ترس از شیوع آن در بیشتر کشورها آموزش ها در مدارس و حتی دانشگاه‌ها به‌صورت مجازی برگزار شد و کلاس‌های درس به‌صورت حضوری حذف شد و روزبه‌روز بر تعداد مدارس هوشمند برای استفاده از سامانه‌های آموزش آنلاین افزوده شد. از آنجاکه انعطاف‌پذیری از اصول اولیه برنامه‌های درسی است؛ لذا ضروری است که در حال حاضر یک بازنگری کلی و اصولی در برنامه‌های درسی و محتواهای ارائه شده صورت پذیرد. یادگیرنده، دانش و جامعه سه منبع اصلی تعیین اهداف در برنامه‌های درسی هستند. برنامه درسی باید با توانایی‌های ذهنی و عقلانی یادگیرنده متناسب بوده و با علائق و نیازهای یادگیرنده نیز باید هماهنگ باشد. هماهنگی برنامه با توانایی ذهنی یادگیرنده در او شناخت به وجود می‌آورد و هماهنگی برنامه با علائق و نیازهای او گرایش ایجاد می‌کند. اهداف برنامه درسی باید با وضعیت و امکانات یادگیرنده نیز هماهنگ باشد و باتوجه‌به نیازهای آنی و آتی آنان تعیین شود. یکی از وظایف برنامه درسی، کمک به تأمین نیازهای جامعه است. در بررسی جامعه هم به نیازهای آنی و هم به تغییرات و تحولات مستمر، به‌ویژه تحولات ناشی از پیشرفت علوم و فناوری باید توجه نمود و اهداف برنامه درسی را در ارتباط با تغییرات اساسی که در جامعه در حال وقوع است، انتخاب نمود و همواره آن را با نیازهای گوناگون زندگی اجتماعی انطباق داد؛ لذا اهداف برنامه درسی باید متناسب با شرایط و امکانات جامعه و باتوجه‌به نیازهای آن تعیین شود. با توجه با اینکه شرایط آموزش تغییر کرده و استفاده از آموزش‌های الکترونیکی گسترش‌یافته، نیازهای فراگیران و جامعه نیز دچار تغییر شده است. آموزش‌وپرورش نیز باید در تنظیم محتوای کتاب‌های درسی تجدیدنظر کند و این محتواها باتوجه‌به شرایط آموزش‌های نوین و ترکیبی، تدوین گردد. تنظیم کتاب‌های درسی طوری باشد که حالت خودآموز داشته باشند و از ارائه محتواهای انتزاعی و سنگین پرهیز کنند و بیشتر به سمت دانش‌آموز محور بودن حرکت کند. ازآنجاکه در آموزش‌های مجازی و ترکیبی (حضوری + غیر حضوری) کتاب درسی تنها منبع آموزشی نیست، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی می‌تواند در صورت ادامه و گسترش آموزش‌ها به‌صورت مجازی، در کنار چاپ کتب درسی، محتوی الکترونیکی نیز تولید کرده و در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد. با تولید محتوایی‌های آموزشی الکترونیکی می‌توان گام مهمی در تولید محتوی آموزشی محلی برداشت و برخی از محتوی دروس را باتوجه‌به شرایط محلی هر منطقه و استان تألیف کرد که این امر می‌تواند جذابیت‌های لازم را برای فراگیران به دنبال داشته باشد و شرایط را برای آموزش‌های زمینه - محور فراهم کند.